

## جایگاه انتظار موعود در فرهنگ شیعه

رمضان امانی<sup>۱</sup>

محمد اسحاق ذاکری<sup>۲</sup>

### چکیده

انتظار موعود تنها مختص به شیعه و اسلام نیست، بلکه در تمام ادیان آسمانی و حتی ادیان غیر آسمانی نیز وجود دارد؛ اما مفهوم و ماهیت انتظار و ظهور موعود به صورت خاص و با تعریف ویژه، یکی از شاخصه‌های اصلی مکتب اهل بیت محسوب می‌شود. انتظار در فرهنگ شیعه از جایگاه بس والایی برخوردار است که به شیعیان امید و تحرک می‌بخشد و ریشه انتظار شیعی برگرفته از آیات قرآن کریم و روایات معصومین است. انتظار دو نوع است: یکی انتظار سازنده و دوم انتظار ویرانگر و از آیات و روایات استفاده می‌شود که وظیفه ما منتظران انتظار سازنده است. انتظار سازنده آن است که برای اصلاح خود و دیگران تلاش نماییم و در کنار صالح بودن، مصلح نیز باشیم. بعد از رسیدن به انتظار سازنده است که انتظار واقعی ایجاد می‌شود و آثاری به جا می‌گذارد. مهم‌ترین اثر انتظار واقعی امید دادن به ناامیدها و انگیزه دادن به مأیوس‌ها است. انتظار واقعی جلوه‌ها و ابعاد مختلفی دارد که در این مقاله به دو بعد فرهنگی و نظامی انتظار به طور مختصر پرداخته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** انتظار، موعود، موگرایی، فرهنگ شیعه، اسلام

۱. طلبه مقطع لیسانس حوزه علمیه رسالت، کابل.

۲. گروه علمی کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی حکمت و مطالعات ادیان، جامعه المصطفی العالمیه، پروان، افغانستان.

## مقدمه

انتظار برنامه سبز و فرهنگ عظیمی است که به انسان ناامید، امید می‌بخشد. امید به پیروزی نور بر ظلمت، حق بر باطل و عدالت بر جور و استبداد. انتظار نسیم دلربای صبحگاهی است که آمدن دوباره بهار را نوید می‌دهد. انتظار نویدبخش احیای مجدد انسانیت انسان‌ها است.

انتظار نه تنها در شیعه، بلکه در اکثر ادیان آسمانی و غیر آسمانی طنین انداز است، طنین انداز پیروزی مستضعفان و مستحقان بر زورگویان و مستکبران ناحق. انتظار در شیعه یک فرهنگ است که نمی‌توان در یک مقاله کوتاه جمع کرد و نیاز به کتاب‌های مستقل زیادی است که بتواند تمام ابعاد آن را در برگیرد؛ اما بنده به دلیل شوق و رغبتی که به مطالعه در این بخش داشتم خواستم قطره‌ای را از اقیانوس بی‌کران انتظار برداشته و به حضرت مهدی موعود (عج) هدیه نمایم.

در این مقاله مختصر موضوعاتی چون موعود در ادیان و به‌ویژه دین مقدس اسلام و خصوصاً مذهب تشیع و جایگاه انتظار در شیعه، انواع انتظار، ابعاد انتظار و آثار انتظار به‌طور گذرا مورد بحث قرار گرفته است.

### ۱. انتظار موعود در ادیان

موعود یعنی وعده داده شده، وعده آمدن کسی که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ». (انبیاء: ۱۰۵) موعودی که مختص به مذهب شیعه و دین اسلام نیست، بلکه تمام ادیان آسمانی و حتی ادیان غیر آسمانی نیز به آمدنش نوید داده‌اند. نوید آمدن کسی که قسط و عدل را که هدف و آرزوی انبیاء و اولیای الهی بود در سراسر گیتی برپا می‌کند. یهود ایمان دارد که عزیر یا منحاس بن عازر بن هارون ظهور می‌کند، مسیحیان معتقد به بازگشت حضرت عیسی هستند، زردشتیان به انتظار بهرام شاه نشسته‌اند، هندوها اعتقاد به آمدن ویشنو دارند، بودایی‌ها به آمدن کالکی (شکل تناسخ یافته بودا) معتقدند، همان‌گونه که این عقیده در مصر قدیم، نزد مغولان و



چینی‌ها نیز رایج بوده است. در اسلام نیز اعتقاد به مهدی موعود از عقاید مسلم و قطعی نزد همه مذاهب اسلامی است. مبنای این اعتقاد هم احادیث متواتری است که از پیامبر اکرم (ص) در این باره روایت شده است، «یَمَلَا الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا». (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۹: ۲۰۷)

مطابق تحقیق و پژوهش برخی از محققان، احادیث مربوط به «مهدی موعود» در بیش از شصت منبع معتبر از اهل سنت که صحاح شش‌گانه از آن جمله است و نیز در کتب اربعه و بیش از نود منبع معتبر شیعی روایت شده است. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۹: ۲۰۷) احادیث مربوط به مهدی موعود از چنان قطعیت و اعتباری برخوردار است که کسانی چون ابن تیمیه و پیروان او که معمولاً در اعتقاداتی که مورد اهتمام شیعه است تشکیک می‌کنند، به درستی این احادیث اذعان کرده‌اند. ابن تیمیه با استناد به مسند احمد، صحیح ترمذی و سنن ابی داود احادیث مربوط به مهدی موعود را از نظر سند صحیح دانسته است. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۹: ۲۰۸)

## ۲. انتظار در فرهنگ شیعه

چنانکه بیان شد، موعود مختص به اسلام و شیعه نیست، بلکه در ادیان دیگر نیز وجود دارد؛ اما برنامه کامل و روشن ظهور به دست شیعیان است؛ زیرا همه مسلمانان عقیده دارند که مهدی می‌آید، ولی کاری برای آمدنش نمی‌کنند و تأثیر عملی در زندگی‌شان ندارد. حتی برنامه روشنی از ظهور ندارند، به دو دلیل: نخست آنکه برادران اهل سنت عقیده به آمدن حضرت مهدی دارند، اما به عصمتش معتقد نیستند. در حالی که به آمدن حضرت عیسی (ع) هم ایمان دارند، حالا چه کسی باید رهبری کند، یک شخص عادی یا یک پیامبر اولوالعزم؟! اگر جواب بدهند که پیامبر اولوالعزم. پس چرا پیامبر گرامی اسلام (ص) این همه نوید به آمدن حضرت مهدی داده است؛ اما اگر بگویند رهبری از حضرت مهدی است پس باید یک شخص معصوم و دارای مقام والای الهی باشد که یک پیامبر اولوالعزم پشت سرش نماز بخواند. برخی‌شان می‌گویند که حضرت عیسی بعد از حضرت مهدی می‌آید که این هم



معقول نیست؛ زیرا اگر هم‌زمان با حضرت مهدی بیاید تمام مسیحیان بدون جنگ و خونریزی تسلیم اسلام می‌شوند؛ اما بعد از حضرت مهدی چنین چیزی نمی‌شود و تنها چیزی که می‌توان تصور کرد بازهم عصمت و مقام والای حضرت مهدی است که ایشان با وجود یک پیامبر اولوالعزم می‌آید جهان را اصلاح می‌کند و بعد جانشین وی یک پیامبر اولوالعزم می‌شود. دوم انتظاری که همراه باشد با فعالیت خودسازی و دگرسازی و انتظاری که موجب زمینه‌سازی ظهور و اطاعت امام می‌شود مختص تشیع است. لذا جا دارد که بگوییم برنامه و فرهنگ کامل انتظار به دست شیعیان اثناعشری است.

انتظار فرج نشانه کمال جویی ما و دعا برای فرج گواه عشق ما به عدالت، ایمان و حق است. از زمان امامان معصوم، فرهنگ انتظار در میان شیعه رواج داشته و امید داشتند که حضور آن «مهدی موعود» را شاهد باشند و یاری کنند. انتظار ما را از یاس و ناامیدی می‌رهاند و به تلاش و زمینه‌سازی وامی‌دارد. امام علی<sup>(ع)</sup> فرمود: «المنتظر لا مرنا كالمُتَشَحِّطِ بدمه فی سبیل الله». (مجلسی، ۱۳۸۷، ۵۲: ۱۲۳) (کسی که منتظر امر ما [دولت و حاکمیت] باشد، همچون کسی است که در راه خدا به خونسختی غلتیده است.

از سوی دیگر انتظار فرج جایگاه بس عظیم و بزرگی در فرهنگ شیعه دارد؛ زیرا اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق، صلح و عدالت بر نیروی باطل و ظلم، گسترش جهانی ایمان و اسلام، استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های انسانی ریشه در قرآن کریم دارد. این قرآن مجید است که با قاطعیت تمام، پیروزی نهایی ایمان اسلامی «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»، (توبه: ۳۳ و صف: ۹) غلبه قطعی صالحان و متقیان «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، (انبیاء: ۱۰۵) کوتاه شدن دست ستمکاران و جباران برای همیشه «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵) و آینده درخشان و سعادت‌مندانه بشریت «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»، (اعراف: ۱۲۳) نوید داده است. امید و آرزوی تحقق این نوید



کلی جهانی انسانی در زبان روایات اسلامی «انتظار فرج» خوانده شده است و اصل انتظار فرج از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی «حرمت یاس از روح الله» (یوسف: ۸۷) فهمیده می‌شود. در روایات نیز انتظار فرج از بزرگ‌ترین اعمال شمرده شده است؛ چنانکه از پیامبر گرامی اسلام رسیده است: «بهترین عمل امت من انتظار فرج و گشایش از جانب خدای سبحان است؛ افضل الاعمال امتی انتظار فرج الله عزوجل». (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۸) ائمه بارزترین مصداق این امر کلی را انتظار فرج حضرت ولی عصر معرفی کرده‌اند؛ زیرا فرج و گشایش واقعی برای دین‌داران با ظهور آن حضرت حاصل می‌شود.

حضرت عبدالعظیم حسنی می‌گوید: «به سرورم حضرت جواد الایمه وارد شدم، تصمیم داشتم از او بپرسم که آیا قائم شما همان مهدی است یا غیر او؟ قبل از آنکه شروع به سخن کنم خود آن حضرت آغاز به سخن کرده فرمود: «ای ابوالقاسم! قایم ما همان مهدی است که باید در عصر غیبت منتظرش بود و در عصر ظهور اطاعتش کرد و او سومین فرزند من است. قسم به خدایی که محمد را به پیامبری برگزید و امامت را به ما اختصاص داد، اگر از عمر دنیا بیش از یک روز باقی نماند خدا آن روز را آن قدر طولانی می‌گرداند تا قایم ما خروج کند و همان‌طور که زمین از جور و ظلم پر شد از قسط و عدل آن را پر کند. خدای سبحان کار او را یک‌شبه اصلاح می‌کند و اوضاع را به نفع او می‌گرداند؛ چنانکه کار موسی را یک‌شبه اصلاح کرد، او برای گرفتن پاره‌ای آتش برای خانواده‌اش رفت ولی هنگام بازگشت به شرافت رسالت و افتخار نبوت نائل شده بود». آنگاه فرمود: «بهترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج و انتظار گشایش امور، به دست آن حضرت است». (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۹)

هانری کربن یکی از مستشرقین معروف که چندین مقاله مستقل در مورد مهدویت نوشته در مورد جایگاه والای موعود و انتظار در فرهنگ شیعه می‌گوید: «در ساختار فکری شیعه پاره‌ای از آموزه‌های اعتقادی، جایگاه ویژه‌ای دارد به طوری که با حذف آن آموزه‌ها، تفکر شیعه تعریف نمی‌گردد. به‌عنوان مثال تفکر شیعه با حذف امامت و ولایت و مهدویت امکان ندارد که پایدار بماند». (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۱۴)

### ۳. انواع انتظار

انتظار فرج دو نوع است؛ انتظاری که سازنده است، تحرک‌بخش است، تعهدآور است، عبادت بلکه با فضیلت‌ترین عبادت است و انتظاری که ویرانگر است، بازدارنده است، فلج‌کننده است و نوعی «اباحیگری» محسوب می‌شود.

#### انتظار ویرانگر

برداشت و دیدگاه قشری از مردم از مهدویت، قیام و انقلاب مهدی موعود این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم‌ها، تبعیض‌ها، اختناق‌ها، حق‌کشی‌ها و تباهی‌ها ناشی می‌شود؛ نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است. آنگاه که صلاح به نقطه صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یکه‌تاز میدان گردد، جز نیروی باطل، نیرویی حکومت نکند، فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و دست غیب برای نجات حقیقت\_ نه اهل حقیقت؛ زیرا حقیقت طرفداری ندارد\_ از آستین بیرون می‌آید. لذا هر اصلاحی محکوم است؛ زیرا هر اصلاح یک نقطه روشن است و تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست، دست غیب ظاهر نمی‌شود. برعکس هر گناه، هر فساد، هر ظلم و تبعیض، هر حق‌کشی و هر پلیدی‌ای به حکم اینکه مقدمه اصلاح کلی است و انفجار را قریب‌الوقوع می‌سازد رواست؛ چون «الغایات تبرر المبادی؛ اهداف وسیله‌های نامشروع را مشروع می‌سازد». پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است.

#### انتظار سازنده

برخی برعکس نظریه بالا می‌اندیشند و تلاش می‌کنند به خودسازی و دیگرسازی پردازند تا برای ظهور آن منجی عالم بشریت، زمینه‌سازی نمایند. از آیاتی که به‌عنوان ریشه اندیشه موعود و انتظار بیان شد، استفاده می‌شود که ظهور حضرت مهدی حلقه‌ای از حلقات مبارزه اهل حق و باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهمیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در

گروه اهل حق باشد.

آیاتی که به آن‌ها در روایات استناد شده است، نشان می‌دهد که مهدی موعود مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «خداوند به مؤمنان و شایسته کاران شما وعده داده است که آنان را جانشینان زمین قرار دهد [چنانکه پیشینیان را قرار داد]، دینی که برای آن‌ها آن را پسندیده است مستقر سازد، دوران خوف آنان را تبدیل به دوران امنیت نماید، بدون ترس و واهمه خدای خویش را پرستند و اطاعت غیر خدا را گردن نهند و چیزی را در عبادت یا طاعت شریک حق نسازند». (انبیاء: ۱۰۵)

ظهور مهدی موعود تحقق بخش وعده‌ای است که خداوند متعال از قدیم‌ترین زمان‌ها در کتب آسمانی به صالحان و متقیان داده است که زمین از آن‌ها است و پایان تنها به متقیان تعلق دارد پس معلوم می‌شود که اشخاص متقی و پرهیزگار وجود دارد. شیخ صدوق روایتی از امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل می‌کند مبنی بر اینکه این امر تحقق نمی‌پذیرد مگر اینکه هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسد. پس سخن در این است که گروه سعدها و گروه اشقیاء هر کدام به نهایت کار خود برسند؛ سخن در این نیست که سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتهای درجه شقاوت برسند. از نظر روایات اسلامی، در مقدمه قیام و ظهور امام یک سلسله قیام‌های دیگر از طرف اهل حق صورت می‌گیرد. آنچه به نام قیام یمانی قبل از ظهور بیان شده است، نمونه‌ای از این سلسله قیام‌ها است. این جریان‌ها نیز ابتدا به ساکن و بدون زمینه قبلی رخ نمی‌دهد.

در برخی از روایات اسلامی سخن از دولتی است از اهل حق که تا قیام مهدی ادامه پیدا می‌کند. خلاصه از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود آخرین حلقه از حلقات مبارزه حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است.



## انتظار واقعی و آثار آن

ریشه انتظار محبت داشتن است و سرچشمه محبت شناخت درست و صحیح است. وقتی انتظار واقعی ایجاد می‌شود که نخست امام عصر خود را درست بشناسیم. در روایات بی‌شماری سخن از شناخت «حجت خدا» به میان آمده است و این که زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند. هر انسان مکتبی باید حجت خدا را که خداوند به‌عنوان الگو، هادی، حجت و دلیل قرار داده و تبعیت از آن‌ها را لازم گردانیده و به‌وسیله آن‌ها در قیامت با انسان احتجاج می‌کند را بشناسد، البته نه شناخت شناسنامه‌ای؛ زیرا چنین شناختی به محبت نمی‌انجامد؛ بلکه شناخت شخصیت مولا، شناخت سیره عملی حضرت، شناخت توأم با ایمان و اعتقاد، شناختی که با اطاعت همراه باشد و شناختی که در نتیجه به خودسازی و دگرسازی بینجامد. شیعه و سنی از پیامبر گرامی اسلام نقل کرده‌اند: «هرکسی که بدون شناخت امام زمان و حجت عصر خودش بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است. «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»». (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۷)

از آنجا که مرگ عصاره زندگی است و هرکسی آن‌گونه می‌میرد که زندگی کرده است، اگر مرگ کسی جاهلی باشد معلوم می‌شود زندگی او جاهلانه بوده است؛ چون ممکن نیست کسی زندگی عاقلانه داشته باشد، ولی به مرگ جاهلیت بمیرد. بنابراین اگر کسی امام زمانش را نشناسد، نه تنها مرگش مرگ جاهلی خواهد بود، بلکه حیات او نیز حیات جاهلانه خواهد بود. اگر کسی امام زمان خود را درست بشناسد، می‌فهمد تمام کارها در دست او قرار دارد، در نتیجه از زندگی و حیات جاهلی رهیده و به حیات معقول رسیده و منتظر واقعی آن حضرت خواهد بود. لذا شناخت واقعی انتظار واقعی را به دنبال دارد و انتظار واقعی است که آثار و نتایج را در قبال خواهد داشت.

آنچه به انسان انگیزه حیات، تلاش و خدمت می‌دهد «امید» است. آنان که به آینده بشریت و جهان امیدوارند، روحیه بهتری دارند و سختی‌ها را به امید رسیدن به نجات و رهایی تحمل می‌کنند و صبور و مقاوم‌اند.





انتظار فرج از آن جهت مورد تأکید و توصیه اهل بیت<sup>(ع)</sup> است که در انسان منتظر امید به آینده ایجاد خواهد کرد. شیعه منتظر، هرگز ناامید نمی‌شود و زندگی‌اش سرشار از امید به بهروزی نهایی انسان‌ها و حاکمیت قسط و عدل است و این امیدواری، نقش بزرگی را در سعی و تلاش ایفا می‌کند و منتظر را مصمم بر تلاش و بانگیزه برای حیات و زمینه‌سازی برای آن دوران می‌سازد. حضرت امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> توصیه می‌فرمایند که انتظار فرج و گشایش از جانب خدا داشته باشید و از رحمت او ناامید نباشید که محبوب‌ترین اعمال نزد خدای عزوجل انتظار فرج و گشایش است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۱) سید ساجدان<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «انتظار الفرج من اعظم الفرج؛ انتظار فرج داشتن از بزرگ‌ترین فرج‌ها است». (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۲) به گفته آیت‌الله جوادی آملی، سرّش آن است که اگر اندیشه کسی این باشد که هیچ تلاشی برای اصلاح امور ثمر ندارد و به نتیجه نمی‌رسد، انگیزه‌ای برای مبارزه با طاغیان و مقاومت در برابر طاغیان نخواهد داشت؛ اما اگر کسی به آینده امیدوار باشد و بداند که دیر یا زود حکومت زمین به صالحان خواهد رسید، امور جامعه اصلاح خواهد شد، حق به صاحبانش خواهد رسید، ظلم، ستم و بیداد رخت بر خواهد بست. او برای رسیدن به چنان جامعه‌ای نه تنها خودسازی خواهد کرد، بلکه تلاش می‌کند تا با دگرسازی زمینه تشکیل آن دولت کریمه را فراهم آورد.

هانری کربن معتقد است که ظهور امام عصر<sup>(ع)</sup> نیازمند فراهم گردیدن شرایط است و از طرفی وی ظهور مهدوی را بزرگ‌ترین پشتوانه و انگیزه تزکیه نفوس می‌داند که اساس فکر شیعی است به طوری که سزاوار است مردم به جهت ظهور مهدوی نفس خود را تصفیه نموده و دین‌داری پیشه کنند. وی معتقد است ظهور آینده امام، نیازمند این است که مردم به سوی صلاح و خوبی روند و ظرفیت درک و پذیرش او را بیابند و به تعبیر دیگر، او را بخواهند. وی حتی دلیل تحقق یافتن روحیه فتوت و اخلاق جوانمردی را که توسط عرفا ترویج شد و موجب نوشته شدن فتوت‌نامه‌ها گشت، همین امر را می‌داند؛ یعنی عارفان می‌کوشیدند تا با این عمل به ترویج دین و اخلاق پردازند، تعالیم اخلاقی را به متن زندگی توده مردم آورند و در میان مشاغل

و حرفه‌ها نهادینه سازند و اخلاق را با زندگی گره زنند. از این رو کُربن معتقد بود برای اینکه ظهور امام عصر محقق شود، انسان‌ها باید خود را بسازند. (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۱۷) این‌ها آثاری است که انتظار در پی دارد.

فوکویاما، استراتژیست ارشد آمریکایی و استاد دانشگاه «جان هابکینز» که صاحب نظریه «پایان تاریخ» است، در همایش شیعه‌شناسی در تالویو وقتی که شیعه را به تصویر می‌کشید، یک پرنده‌ای را به تصویر کشید که دو بال دارد. یکی بال موعودگرایی و دیگری شهادت‌طلبی و یک سپر دارد به نام امامت. هر وقت بخواهی به آن شلیک کنی، توسط دو بال آن قدر ارتفاع می‌گیرد که از تیر افکار و روش‌های مدرن در امان است؛ اما به فرض محال اگر تیر به آن برسد هم کارگر نیست؛ چون سپر و زرهی دارد به نام امامت.

اندیشه انتظار بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش‌بینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است که طبق بسیاری از نظریه‌ها و فرضیه‌ها تاریک و ابتر است. انتظار یک فلسفه بزرگ جهانی است؛ زیرا اسلام یک دین جهانی است، چون تشیع به معنای واقعی‌اش یک امر جهانی است. این را ما باید به صورت یک فلسفه بزرگ جهانی تلقی کنیم که دارای ارکان و ابعاد مختلفی چون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و غیره است.

### ابعاد انتظار

دو بعد انتظار ابعاد بسیار مهم و حیاتی است که باید مورد توجه جدی قرار گیرد، بعد فرهنگی انتظار و بعد نظامی انتظار.

### بعد نظامی انتظار

از امام صادق<sup>(ع)</sup> رسیده است که فرمود: «از آن‌که ولی عصر ظهور کند خودتان را بایک تیر هم که شده آماده کنید؛ چون اگر خدا چنین آمادگی را در کسی ببیند، امید است که عمرش را طولانی کند تا از اصحاب و یاران آن حضرت شود. (جوادی



آملی، ۱۳۸۷: ۶۲) به قول آیت‌الله جوادی آملی، این روایت که به آمادگی نظامی مربوط می‌شود، نشان می‌دهد که منتظر واقعی آن حضرت کسی است که اهل رزم، جنگ، مبارزه و نبرد باشد. کسی که کاری با جنگ و مبارزه با طاغی ندارد، هرگز منتظر واقعی امام زمان (عج) نیست؛ چون آن حضرت با نبرد مصلحانه نفس‌گیر جهان را اصلاح می‌کند.

برخی‌ها متأسفانه می‌خواهند امام بیاید و بدون هیچ زحمتی جهان پر از ظلم و ضلالت را منور و مملو از عدل و داد کند و جهان را بهشت آن‌ها بسازد؛ اما آن‌ها را اصلاً به زحمت نیندازد. در حالیکه اصلاح جهان از خود گذری می‌خواهد، شجاعت و ایثار می‌خواهد. اگر بخواهیم یک درخت درست حاصل بدهد، در کنار آبیاری، باید شاخه‌بری کنیم، شاخه‌های مریض و خشک شده را ببریم تا تمام درخت را مریض نکند.

در روایت دیگری از حضرت امام صادق<sup>(ع)</sup> آمده است: «پیامبر اکرم و ائمه فی الجمله مأمور به تقیه بودند و گاهی بر اساس تقیه رفتار می‌کردند؛ اما وقتی قایم ما قیام می‌کند، تقیه رخت بر می‌بندد و او شمشیرش را برهنه می‌کند و حقی را نمی‌ستاند و به صاحب حقی نمی‌رساند مگر با شمشیر». (مجلسی، ۱۳۸۷، ۵۲: ۳۵۵) اگرچه آن حضرت به پیروزی نهایی می‌رسد و مستضعفان را حاکم بر زمین و وارث آن می‌گرداند و مستکبران را نابود می‌سازد؛ اما ریشه‌کن کردن مستکبران، رایگان به دست نمی‌آید، بلکه فداکاری، نبرد، مبارزه، قربانی دادن و قربانی شدن لازم دارد.

در فرهنگ شیعی، انتظار همراه با «شهادت‌طلبی» در نیایش‌ها، آرزوها و خواسته‌ها به چشم می‌خورد، سرشت شیعه را با حماسه و شهادت رقم زده‌اند. محبت و عشق به جانبازی و فداکاری می‌کشاند و دل‌باخته عاشق، فدا کردن جان را وسیله تقرب به محبوب می‌داند و این آموزه‌ای است که در متن دین و تعالیم قرآنی نهفته است. قرآن کریم در وصف مؤمنان راستین می‌فرماید: «آنان در جبهه‌های نبرد با کفار شرکت می‌کنند و چشم امیدشان یا به پیروزی است یا به شهادت، یعنی چشم‌انتظار یکی از این دو خوبی‌اند». (توبه: ۵۲)

## بعد فرهنگی انتظار

در بخش فرهنگی انتظار، منتظر واقعی کسی است که نه تنها خود را با فرهنگ انتظار مأنوس نماید، بلکه در راه پخش و نشر این برنامه سبز و جامع کار کند؛ یعنی دیگران را نیز آشنا سازد و در کنار فرد صالح بودن مصلح نیز باشد. مهدویت به دلیل دارا بودن ویژگی‌های منحصر به فردی، همچون جهانی شدن، عدالت، رفاه، ایجاد دولت واحد جهانی و تمام خوبی‌های دیگر یکی از توانمندترین عوامل رشد جامعه دینی ما است. از این رو طرح درست و گسترش این فرهنگ در جوامع اسلامی اعم از شیعه و سنی، باعث رشد و تعالی هرچه بیشتر جامعه و عالم اسلام و حفظ آن از فروغلتیدن در ناراستی‌ها، فسادها و تباهی‌ها است. لذا بنده از تمام علمای دین، دولتمردان مسلمان، روشنفکران مسلمان و همه اقشار مسلمان می‌خواهم این فرهنگ عظیم و پربار را به فراموشی نسپارند، توجه جدی نموده و روی آن کار کنند.

انتظار موعود نقطه اتحاد تمام فرق اسلامی است، حالا چه به دنیا آمده باشد یا نیامده باشد، همه معتقدیم که دعا اثر دارد باید دعا کنیم، زمینه‌سازی نماییم و در جهت آمدن مهدی موعود کار کنیم تا خداوند ارحم الراحمین به سبب تلاش‌های ما رحمی نموده و زمان آمدن ایشان را تسریع ببخشد.

از سوی دیگر انتظار و مهدویت در اندیشه اسلام و ادیان آسمانی، اندیشه فراگیر و پیشینه‌دار و نقطه اوج و کمال تاریخ بشری است. توجه جهان به این موضوع مهم در عصر حاضر و مطرح شدن اندیشه‌های موازی و انحرافی در این زمینه از سوی قدرت‌های جهانی و اندیشمندان بشری و برداشت‌های غیر کارشناسانه از آن، ضرورت پاسداری از این اندیشه بنیادین اسلام را چند برابر کرده است. اگر مسلمانان هرچه زودتر از خواب غفلت بیدار نشوند، اسلام مثل کدویی می‌شود که هرروز بزرگ‌تر و پوستش ضخیم‌تر؛ اما درونش خالی‌تر می‌شود. حالا هم چنین شده است، بر کمیتش افزوده می‌شود؛ اما از کیفیت مسلمانان «مسلمان واقعی» کاسته می‌شود، از اباحه‌گری فردی تک‌تک مسلمانان تا به سکولاریسم دولت‌ها.

تا فرهنگ انتظار در جوامع اسلامی نهادینه نشود و تا احیای مجدد حقیقت اسلام



در تمام بخش‌ها صورت نگیرد، مسلمانان به رفاه، آرامش و سعادت نخواهند رسید؛ زیرا عاملش بی‌حرکی و حالت ایستایی همه ما از اطفالی که به مکتب می‌روند تا فقها و علمای بزرگ است. «وان لیس للانسان الا ما سعی». امام صادق (ع) می‌فرماید: «وقتی عذاب و سختی بر بنی اسرائیل طولانی شد، چهل روز به درگاه خدا گریه و ناله کردند. خداوند متعال به موسی و هارون وحی فرمود که آن‌ها را از دست فرعون نجات دهند و این در حالی بود که از چهارصد سال عذاب صد و هفتاد سال باقی مانده بود و خداوند به واسطه دعای بنی اسرائیل از آن صد و هفتاد سال صرف نظر نمود. اگر شما شیعیان نیز چنین تضرع و زاری کنید (و فرج ما را بخواهید)، خداوند فرج ما را می‌رساند، ولی اگر دست روی دست بگذارید و بی‌اعتنا بمانید، وقتی کار به نهایت رسید، گشایش فرامی‌رسد. (سایت موسسه تحقیقات اهل بیت علیهم‌السلام)

### نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری می‌توان گفت که انتظار یک فرهنگ عظیمی برای تمام جوامع بشری اخصاً شیعیان و مسلمانان جهان است. این فرهنگ امیدبخش یک فردای زیبایی است که همه بشریت آرزوی آن‌ها دارند و آرزوی همه پیامبران الهی بود. انتظار یک عقیده خشک و خالی نیست، بلکه انگیزه‌بخش انسان‌های با بصیرت است و از خود ابعاد و آثاری دارد و از منتظران مسئولیت می‌خواهد. مسئولیت منتظران زمینه‌سازی برای ظهور است. زمینه‌سازی از طریق خودسازی و دیگر سازی است. کسی که جامعه ایدئال مهدوی را می‌خواهد باید در قدم نخست، تلاش کند خودش را برای ظهور آماده کند. اگر امروز عقیده خود را نسازیم و امام خویش را نشناسیم و ندانیم که امام معصوم است و هرگز از حق و قرآن جدا نیست، بلکه خودش قرآن ناطق است، وقتی بیاید مثل یازان امام علی (ع) که امام را با حيله عمر و عاص تنها گذاشتند. ما هم امام زمان خویش را تنها می‌گذاریم. اگر امروز نتوانیم بر شهوات خود غلبه کنیم و از فحشا و منکرات به دور باشیم بعد ظهور مولا مثل لشکریان حضرت موسی که با دیدن زنان لخت حضرت موسی را تنها گذاشتند، ما نیز چنین خواهیم کرد.

اگر امروز از لقمه‌های حرام اجتناب نکنیم فردا مثل لشکریان یزید در کربلا در مقابل امام خود خواهیم ایستاد. اگر امروز تلاش نکنیم و برای ظهور زمینه‌سازی نکنیم و فقط ورد زبان ما «الهم عجل لولیک الفرج» باشد، این دعاها همانند نامه‌های کوفیان است که به آن وفا نخواهیم کرد. اگر خواهان گلستان کردن جهان هستیم، باید مثل یاران امام حسین<sup>(ع)</sup> مطیع امام خویش باشیم، نه اینکه اگر مسئله جنگ آمد کنار بکشیم یا به دنبال طرف قوی‌تر باشیم که هر طرف قدرت بیشتر داشت به همان سوی بلغزیم. باید محکم در جبهه خود بایستیم. البته فراموش نباید کرد که با خودسازی هم وظیفه تمام نمی‌شود بلکه نوبت به دیگرسازی، یعنی امر به معروف و نهی از منکر و آشنایی دیگران با فرهنگ انتظار است. پس چه زیبا است تلاش کنیم تا به درک واقعی امام نائل آییم و از جمله منتظران و زمینه‌سازان واقعی ظهور باشیم.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷)، عصاره خلقت، چاپ نهم، قم: مرکز نشر اسراء
۲. ربانی گلپایگانی، علی، (۱۳۸۹)، درآمدی بر شیعه شناسی، چاپ سوم، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۳. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۷)، بحارالانوار، قم: دارالکفر.
۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، تهران: صدرا.
۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷)؛ سیری در سیره ائمه اطهار، تهران: صدرا.
۶. موسوی، سید رضی، (۱۳۹۱)؛ شرق شناسی و مهدویت، چاپ دوم، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج).
۷. سایت موسسه تحقیقات اهل بیت علیهم السلام.



